

بازتاب القاب امام علی (ع) در شعر ابو محمد عونی*

علی اکبر مرادیان قبادی**

حسین چراغی‌وش***

آزیتا امیری****

چکیده

ابومحمد طلحة بن عبید الله بن عون غسانی معروف به عونی مصری در گذشته به سال ۳۵۰ هجری از شاعران بنام عصر عباسی است. وی با سرودن قصائدی زیبا در باب مدح و ثنای امیرمؤمنان (ع) محبت و علاقه خود به آن حضرت را ابراز نموده است. از مجموعه سروده‌هایش چنین برمی‌آید که وی علاقه خاصی به امام علی (ع) داشته است، چرا که اکثر مناقب ایشان را در قالب سروده‌هایی زیبا به نظم کشیده است، به طوری که می‌توان گفت که شعر او ترجمان منظوم مناقب آن حضرت است. این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی وجه تسمیه امام علی (ع) را به این اسامی و القاب، که از زوایای مختلف که در شعر عونی منعکس شده است، مورد بررسی قرار می‌دهد. عونی این اسامی و دلایل و فلسفه آنها را به طور مستدل در شعر خود مورد بررسی قرار داده است و چنین می‌نماید که نام آن حضرت قبل از خلقت عالم و در طول تاریخ و در همه کتب آسمانی وجود داشته است. با مطالعه اشعار او به این نتیجه می‌رسیم که این اسامی در همه کتب آسمانی از جمله تورات و انجیل و زبور داود و... ذکر شده‌اند و هر کدام بیانگر و تجلی یکی از صفات و فضایل ایشان می‌باشد.

کلید واژه‌ها: شعر شیعی، القاب امام علی (ع)، کتب آسمانی، ابو محمد عونی

*- تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۲۳

** استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه لرستان

*** استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه لرستان

**** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه لرستان

امام علی (ع) و اهل بیت ایشان همواره الگوی بسیاری از شاعران و ادیبان بوده اند و فضایل و مناقب آنان نیز زینت بخش سروده‌های شاعران بوده است. درباره‌ی امام علی (ع) و جایگاه و فضیلت ایشان در کتب آسمانی اشاراتی شده که نشان‌دهنده عظمت شأن و مقام آن حضرت است. شعرا از دیرباز کمالات و فضایل امام علی (ع) را در قصاید و قطعات خود به تصویر کشیده‌اند، ابو محمد عونی نیز از جمله شاعرانی است که با مستندات کتب آسمانی و روایات به ذکر این کمالات و فضایل پرداخته است. لذا در این پژوهش، بارزترین اغراض شعری این شاعر را که در مورد فضایل و مناقب و جایگاه امام (ع) می‌باشد، بررسی می‌نماییم. از یک طرف، دیدگاه وی را در مورد امام (ع) با توجه به کتب آسمانی معرفی می‌کنیم و از طرف دیگر، القاب آن حضرت را از دیدگاه خانواده بزرگوارشان و نیز در نزد اقوام مختلف از زبان شاعر بیان می‌کنیم. محقق در نگارش این پژوهش، علاوه بر مشکلاتی که در هر کار و تحقیق ادبی وجود دارد، مشکلاتی از جمله، عدم وجود دیوان شاعر و کم توجهی تاریخ‌نویسان به حیات ادبی وی در پیش رو داشته است. در مورد شعر شیعی ابو محمد عونی تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است، با وجود این که وی از شعرای بنام عصر عباسی و از محبان امام علی (ع) بوده است و اشعار فراوانی در مدح و منقبت ایشان دارد. در این پژوهش، به اثرپذیری شاعر از نام‌های امیرمؤمنان (ع) با تعبیر مختلف و استدلال در این نامگذاری‌ها با هدف شناخت عظمت امام علی (ع) در دید شاعر خواهیم پرداخت.

۲- پیشینه پژوهش

ابو محمد عونی با این‌که از شعرای بنام ادب عربی و به خصوص شیعی است و در برخی زمینه‌های شعری ابتکار و نوآوری‌هایی دارد، در مورد وی پژوهش مستقلی

صورت نگرفته است و این پژوهش، به عنوان نخستین اثر تحقیقی در زمینه اشعار وی می‌باشد. شایان توجه است که دیوان این شاعر تصحیح نشده است ولی اشعار او در لابه‌لای متون ادبی کهن از جمله کتاب «الغدير في الكتاب و السنة و الأدب اثر علامه امینی»، «مناقب آل أبي طالب ابن شهر آشوب»، «أدب الطّف أو شعراء الحسين نوشته جواد شبر» و امثال آنها در دسترس می‌باشد.

۳- معرفی شاعر

تاریخ‌نویسان نام وی را، طلحه بن عبیدالله بن محمد بن ابی عون غسانی معروف به عونى مصرى (شبر، ۱۹۶۹: ۲/۴۹) و ابو محمد بن عبدالله بن عبیدالله (أمین، ۱۴۰۶: ص ۱۷۲) ذکر کرده‌اند. در کتاب‌های تاریخی و ادبی و تراجم هیچ‌گونه اشاره‌ای به سال تولد وی نشده، ولی در «ادب الطّف» وفات وی به سال ۳۵۰ هجری و در مصر ذکر شده است. (شبر، ۱۹۶۹: ۲/۴۹).



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۱۷۲

سال دوم، شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

۴- روزگار سیاسی شاعر

دوره‌ی شاعر ما عونى، دوره‌ای است که آرا و مذاهب و دسته بندی‌های دینی متعددی پدید آمده است. اما عونى از این جبهه‌بندی‌ها کناره‌گیری کرد، و از هیچ یک از آنها حمایت نکرد. بلکه به ستایش امام علی (ع) و ذکر فضایل و حمایت از آن بزرگوار برخاست.

۵- مذهب شاعر

تشیع عونى از دیر باز در زمان زندگی و بعد از مرگ او مشهور و معروف بوده است، حتی موقعی که در بغداد سال ۴۴۳ هجری، میان شیعیان و اهل سنت فتنه بالا گرفت و کار به خونریزی کشید، از جمله فجایعی که دسته‌های ستم پیشه مرتکب شدند،

این بود که گور جمعی از شیعیان بزرگ را شکافته و به آتش کشیدند، و از آن میان گور «عونی» بود (امین، ۱۴۰۶: ۴ / ۶۹). شاید بتوان در مورد علّت قلّت منابعی که در مورد عونی وجود دارد، چنین استدلال کرد که اشعار او بر سر زبان‌ها مشهور و لطائف سروده‌هایش زینت بخش کتب ادبی بوده است، و این امر، سیره‌نویسان را از معرفی نام و نشان و یادآوری شخصیت و قدرت ادبی او در به نظم کشیدن جواهر آبدار و لآلی گهربار، بی‌نیاز می‌کرده است، همان‌طور که تاریخ حیات و قصائد و قطعات شعرش، گواه تشیع و شیفتگی و محبت او نسبت به اهل‌بیت و اعتقاد به ولایت ایشان است (امینی، ۱۹۷۷: ۴ / ۱۲۸).

۶- وجه تسمیه امیر مؤمنان (ع) به علیّ

امیر مؤمنان (ع) اولین کسی است که مفتخر به نام مبارک «علی» شده است و کسی قبل از ایشان دارای چنین نامی نبوده است. چنانچه اهل حدیث گفته‌اند: هیچ یک از آدمیان بدین نام خوانده نشده است، جز این که گاهی برخی اعراب فرزند خود را به صفت «علی» به معنای والا و برتر، موصوف می‌دانستند، نه آن‌که نامی برای آن فرزند باشد (ابن بابویه، ۱۹۶۶: ۱ / ۱۳۶). این در حالی است که این نام از سوی خداوند و رسول او (ع) به آن حضرت اعطا گردیده، و عونی این‌گونه نام مبارک علیّ را زینت بخش اشعارش قرار داده است:

إِنَّ عَلِيًّا عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ أَوْلُ مَنْ سُمِّيَ بِهَذَا الْإِسْمِ
 قَدْ نَالَهُ مِنْ رَبِّهِ فِي الْحُكْمِ عَلِيَّ يَدِي أَخِيهِ وَابْنِ الْعَمِ
 وَحَيًّا قَدِيمَ الْفَضْلِ عُدَّ مَلِيًّا

(امینی، ۱۹۷۷: ۴ / ۱۳۳)



ترجمه: علی با گواهی اهل حدیث، اول کسی است که به این نام مفتخر آمد، این مرتبت از جانب خدا و به دست برادر و پسر عمش بدو مخصوص شد، تا این که وحی الهی نشانی بر تقدم او در میدان برتری‌ها باشد.

شاعر در ابیات فوق، به ازلی بودن نام آن حضرت و این که این مرتبت از جانب خداوند متعال و به دست رسول اکرم (ص) به ایشان اختصاص یافته است، اشاره نموده است.

در پیشگاه خداوند به دلیل عزت و بلند مرتبگی، علی نام گرفت و خداوند نام او را از نام خود مشتق ساخته است. شاعر این دیدگاه را در بیت زیر آورده است:

وَ الْأِسْمُ عِنْدَ اللَّهِ فِي الْعَلِيِّ عَلِيٌّ وَ هُوَ الصَّحِيحُ وَ الصَّرِيحُ وَ الْجَلِيُّ
إِشْتَقُّهُ مِنْ اسْمِهِ فِي الْأَزْلِ كَمِثْلِ مَا إِشْتَقَّ لِخَيْرِ الرُّسُلِ
وَ مَنَحَ النَّبِيَّ وَالْوَصِيًّا

(آمینی، ۱۹۷۷: ج ۴، ص ۱۳۵)

ترجمه: نام او در آسمان‌ها نزد خداوند عزت علی است، صریح و روشن و آشکار، نامش را از نام خود مشتق ساخت، چونان که نام رسول را در ازل از نام خود گرفت. عطایی بود مخصوص رسول و وصی.

چنان که پیداست وقتی که خداوند متعال نام پیامبر (ص) و علی (ع) را از نام خویش گرفته، قطعاً این اسامی مقدس از ازل وجود داشته و نیز دلیل بر وجود پر برکت آن بزرگواران قبل از خلقت جهان می‌باشد که حاکی از بلند مرتبگی پیامبر و وصی ایشان در پیشگاه خداوند متعال و نزد آسمانیان و زمینیان می‌باشد.

عونی بیان کرده که خداوند آن حضرت را، از آن جهت که هیچ کس در نام و تبار و توانمندی و علو بر او برتری نیافته است، علی نامید:

هُوَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى كَفَاكَ بِاسْمِهِ عَلِيٌّ عَلَا فِي الْأَسْمِ وَالْبَأْسِ وَالْحَسَبِ

(ابن شهر آشوب، ۲۰۰۹: ۳/۱۰۲)

ترجمه: او الگوی برتر است و نام او که علی است تو را بس کند؛ او در نام و تبار و توانمندی از همه والاتر است.

شاعر چنین بیان می‌دارد که امیرالمؤمنین علی (ع)، به‌طور قطع، در نام و نسب و قدرت از همه برتر است و همین برتری، وی را از معرفی نام و نشان و شخصیت ایشان به علی، بی‌نیاز خواهد ساخت.

و نیز گفته‌اند: از آن روی علی نام گرفت که در همه چیز و بر همه چیز علو دارد: در نسب، در اسلام، در دانش، در پارسایی، در گشاده دستی، در جهاد، در زن، در فرزند و در پدر همسر. آراء اهل علم در نام مبارک علی متفق هستند، اما در معنی و مقصود این لفظ هر کدام دلایلی ذکر کرده‌اند که با شخصیت بزرگ آن حضرت تناسب دارد. (شامی، ۱۴۲۰: ۱۴۶-۲۴۷) عونی در این باره چنین گفته:

وَ اتَّفَقَتْ آرَاءُ أَهْلِ الْعِلْمِ عَلَى اسْمِهِ مِنْ دُونِ مَعْنَى الْأِسْمِ
فَاخْتَلَفَتْ فِي قَصْدِهِ وَالْفَهْمِ لَهُ وَ كُلُّ لَمْ يَطِشْ بِسَمِّهِمْ
إِذْ قَدْ أَصَابَ الْغَرَضُ الْمَرْقِيَا

(همان)

ترجمه: آرا اهل علم در نام مبارک علی متفق است، ولی آنها در معنی آن اختلاف دارند، در معنی و مقصود این لفظ، هر کس سخنی گفته، البته هیچ کدام بیهوده نگفته‌اند و هر کدام از زاویه‌ای به مسأله نگریسته‌اند.

شاعر روایت‌های مختلف درباره نامگذاری امیرالمؤمنین (ع) به علی را چنین در شعر خود ذکر کرده است:

گروهی او را علی نام نهادند از آن روی که در برابر هر کسی که در پیکار، رویارویش قرار گرفت، دست برتر را داشت و بر همه‌ی قهرمانان چیره می‌شد. عونی در ابیات ذیل به این مطلب تصریح کرده است:

فَقَالَ قَوْمٌ قَدْ عَلَا بِرَازَا أَقْرَانَهُ وَابْتَزَّهَا ابْتِزَا
فَمَا رَأَهُ الْقِرْنُ إِلَّا انْحَازَا وَكَانَ دُونَ سَافِلًا فَاَمَّا
فَهُوَ عَلِيٌّ إِذْ عَلَا الْعَدِيَا

(أمینی، ۱۹۷۷: ۴/ ۱۳۵)

ترجمه: جمعی گفتند: او بر همه قهرمانان چیره گشت و دست همه را بریست، هر دلیری که او را شناخت، کناری گرفت و سر برتافت، از این رو نامش علی است. برخی گفته‌اند: چون علی (ع) به هنگام پاکسازی کعبه از بت‌ها، بر دوش پیامبر عظیم‌الشان (ص) پای نهاد. از این رو منزلت عالی یافت و به او علی گفتند. انعکاس این معنی، در ابیات ذیل به خوبی روشن و نمایان است:

وَقَالَ قَوْمٌ قَدْ عَلَا مَكَانَا مَتْنُ النَّبِيِّ وَرَمَى الْأَوْثَانَا
إِذْ لَمْ يُطِيقْ حَمْلَ نَبِيِّ كَانَا مِنْ ثَقَلِ الْوَحْيِ حَكَمَى ثَهْلَانَا
فَنَالَ مِنْهُ الْمُنْزَلَ الْعَلِيَا

(همان)

ترجمه: برخی گفتند: علی پای بر دوش نبیّ نهاده بت‌های کعبه را سرنگون ساخت، چون نتوانست سنگینی رسول را که چون کوه ثهلان از بار وحی گرانبار بود، بر دوش کشد. زین رو منزلت عالی یافت.

ابیات فوق، بیانگر عظمت امام (ع) در نزد پیامبر (ص) می‌باشد. پیامبر (ص) در روز فتح مکه نیز در مأموریتی بزرگ، علی (ع) را نایب خویش کرد، تا کعبه را از

بتان پاکسازی کند. پیامبر ایستاد تا علی (ع) بر شانه‌هایش بالا رفت و دست به بام کعبه در آویخت و خود را بدان بالا رساند. او بت‌ها را با قدرت از جای می‌کند و بر زمین می‌افکند و در هم می‌شکست (ابویعلی موصلی، بی‌تا: ۱/ ۲۵۱).

جمعی نیز گفته‌اند: علی (ع) از آن روی که با رسول خدا در بهشت برین هم‌مکان شده و خداوند او را برگزیده و بر دیگر خلائق برتری داده است، صاحب جایگاه والا است. عونی این دیدگاه را در ابیات ذیل یادآور شده است:

وَقَالَ فِرْقَةٌ أَعْلَى الدَّارِ فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ مَعَ الْمُخْتَارِ
عَلَاهُ ذُو الْعَرْشِ عَلَى الْأُبْرَارِ فِي رَوْضَةٍ تَرْهَوُ وَفِي أَنْهَارِ
فَنَالَ مِنْهُ الْمَرْتَضَى الْعُلُوبَا

(امینی، ۱۹۷۷: ۴/ ۱۳۶)

ترجمه: فرقه‌ای گفتند: چون جایگاهش بلند است و با رسول مختار هم‌مکان، فرمانروای عرش بر نیکانش برگزید و اینک در بوستانی مخصوص خرامان است، و جایگاه برترین را کسب کرده است.

در ابیات مذکور دلیل برتری جایگاه علی (ع)، همنشینی با پیامبر (ص) ذکر شده است. جماعتی گفته‌اند: علی بدان معناست که او را در بلندترین نقطه آسمان جایگاهی است که اگر در سلک آدمیزادگان نمی‌آمد، آن‌جا تنها از آن او بود.

وَقَالَ فِرْقَةٌ قَالَتْ عَلِيُّ إِنَّمَا مَعْنَاهُ إِذْ أَمَلِكَ فِي أَعْلَى السَّمَاءِ
خُصَّ بِهِ الْوَلَاةُ أَدْمِيَا

(ابن شهر آشوب، ۲۰۰۹: ۳/ ۱۰۴)

عونی در این قطعه، تفاوت جایگاه علی (ع) با دیگر خلائق را بیان می‌کند. هم‌چنین گفته‌اند: از آن روی علی نام گرفت که در آسمان‌های بلند همسر داده شد، در حالی که هیچ یک از آفریدگان خدا جز او در چنان جایگاهی همسر داده



نشده است (ابن بابویه قمی، ۱۹۶۶: ج ۱، ۱۳۷). این دیدگاه برگرفته از این فرموده پیامبر (ص) است که جبرئیل به من چنین وحی نمود: «إِنِّي زَوَّجْتُ عَلِيًّا فَاطِمَةَ تَحْتِ شَجَرَةِ طُوبَى فَزَوَّجَهُ إِيَّاهَا فَزَوَّجْتُ عَلِيًّا فَاطِمَةَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى» (ابن عبد الوهاب، ۱۳۶۹: ۴۸). «[خداوند متعال فرمود:] من فاطمه را به امر الهی در آسمان‌ها و زیر درخت طوبی در بهشت به ازدواج علی (ع) در آوردم، و در نتیجه من هم فاطمه را به امر خداوند متعال به ازدواج علی (ع) در آوردم». شاعر در سرودن ابیات زیر به حدیث مذکور استناد نموده است:

عَلِيٌّ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ عَالِيَا	عَلِيٌّ تَعَالَى عَنِ شَبِيهِهِ وَعَنْ نِدِّ
سِمَامُ الْعِدَى بَحْرُ النَّدَى عِلْمُ الْهُدَى	بَعِيدُ الْمَدَى مَنْ خُصَّ بِالْعِلْمِ وَالرُّشْدِ
لَهُ زَوْجٌ الْمُخْتَارُ لِلطُّهْرِ فَاطِمَا	وَرَدٌّ سِوَاهُ مُرَعَّمًا أَقْبَحَ الرَّدِّ

(ابن شهر آشوب، ۲۰۰۹: ۳/۱۰۳)

ترجمه: علی (ع) والامقام است و در نزد پروردگار عرش، بلند مرتبه. علی (ع) از این رو برتر است که او را همانند و همتایی نیست. چشمه‌ی دهش و دریای بخشش و پرچم هدایت و راهبر به سوی هدف‌های بلند و همان کسی است که به دانش و ره یافتن، گزین شده است. کسی که به پاکی برگزیده شده است، فاطمه (ع) را به همسری او داد و دیگران را به درشت‌ترین پاسخ و با سر افکندگی باز گرداند. چنان‌که پیداست موضوع ابیات فوق بیان فضایل امام (ع) و برتری وی در این فضایل است.

جماعتی می‌گویند: دانش علی (ع) بر همگان فزونی داشت، لذا پیامبر در مورد او حکم «أفضاكم علی» داد. به این دلیل مقامش عالی‌تر و والاتر است. عونی تعبیر مذکور را در ابیات زیر آورده است:

وَقَالَ فِرْقَةٌ عَلَيْهِمْ عِلْمًا فَكَانَ أَقْضَاهُمْ لِذَلِكَ حُكْمًا
وَمَنْ إِلَى الْقَضَاءِ قَدْ تَسَمَّى يَكُونُ أَعْلَى رَفْعَةً وَأَسْمَى
فَإِذَا ذَاكَ الْعَالَمِ السَّمِيًّا

(امینی، ۱۹۷۷: ج ۴، ص ۱۳۶)

ترجمه: جماعت دگر گویند: دانش علی از همه سر بود که رسولش «أقضاکم علی» فرمود، آنکه با فرمان رسولش بر کرسی قضا بالا رود، مقامش عالتر و والاتر بود، پس آن دانشور والا را به ولایت بگیر.

شاعر دلیل دیگر برتری امام (ع) را قضاوت وی می‌داند که به فرمان حضرت رسول بر کرسی قضا نشست.

برخی گفته‌اند: از آن جهت که در دانش، در پدر و مادر و در گشاده دستی بر همگان برتری و علو دارد، علی نام گرفت. شاعر در این مورد چنین گفته است:

وَقَالَ فِرْقَةٌ عَلَيْهِمْ عِلْمًا وَكَانَ أَعْلَاهُمْ أَبًا وَأُمَّا
فَإِذَا كَهْفَ الْكَرَمِ الْفَتِيًّا

(ابن شهر آشوب، ۲۰۰۹: ۳ / ۱۰۴)

ترجمه: گروهی گفته‌اند: در دانش بر همه‌ی آنان برتری داشت و در پدر و مادر از همه‌ی آنان والاتر بود، پس آن جوانمرد را که کانون ارجمندی است به ولایت برگیر.

کما این‌که، شاعر بیان می‌دارد که خداوند متعال در قرآن و حدیث چنان آشکارا در مورد پیامبر (ص) و وصی اش سخن گفت و جایگاه آن دو بزرگوار را مشخص نمود که همگان بدون هیچ‌گونه تأویلی معنای سخن او را درک نمودند:

وَدَعُ تَأْوِيلَ الْكِتَابِ وَالْخَبَرِ وَخُذْ بِمَا بَانَ لَدَيْكَ وَظَهَرَ
قَدْ خَاطَبَ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الْبَشَرِ لِيَفْهَمُوا الْأَحْكَامَ فِي بَادِي النَّظَرِ
وَيَعْرِفُوا النَّبِيَّ وَالْوَصِيًّا

(امینی، ۱۹۷۷: ۴ / ۱۳۶)



ترجمه: در قرآن و حدیث راه تأویل میوی، و جز ظاهر و آشکار آن مجوی، خدای با مهین فرد بشر چنان سخن گفت که همگان توانند شنفست، هم مقام رسول را باز شناسند و هم منزلت وصی.

امیر مؤمنان (ع) افزون بر نام علیّ (ع) که از جانب خداوند به او اعطا گردید، در کتب آسمانی مختلف و نیز نزد اقوام مختلف دارای نام‌های گوناگونی است و هر کدام از این اسماء بیانگر یکی از صفات و فضایل آن حضرت می‌باشد که با شخصیت آن بزرگوار در تناظر است، از جمله این فضایل، می‌توان به جایگاه بلند وی در هدایتگری، دلیری و جنگاوری، نیکوکاری، زدودن شک و شبهه و مبارکی ایشان اشاره کرد.

۷- اسماء علی (ع) در کتب آسمانی و بازتاب آن‌ها در شعر عونی

در کتب انبیای گذشته به نام و جانشینی و خلقت آن حضرت قبل از خلقت آدم، اشاره شده و نیز در بسیاری از آیات، همنام و همسنگ قرآن کریم و دیگر کتاب‌های آسمانی آمده است. چنانچه تورات را «هدی» نامید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى﴾ (مائده / ۴۴) «ما تورات را که در آن رهنمود بود نازل کردیم»، علی (ع) را نیز «هادی» خواند: ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (رعد / ۷) «برای هر قومی رهبری است». عونی برای شناخت عظمت و شخصیت معنوی امیرالمؤمنین (ع) از کتب آسمانی و نوشته‌های پیامبران پیشین در سرودن اشعارش بهره جسته است:

۷-۱ بری

در تورات، «بری» نامیده شده (خصیبه، ۱۹۹۱: ص ۹۳)، از آن جهت که هادی و هدایتگر، و از هر عیب و نقصی بری است. نام امام علی (ع) در تورات تداعی بخش



این آیه شریفه است: ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (رعد / ۷) «برای هر قومی رهبری است».
عونی مضمون آیه شریفه مذکور را چنین به کار گرفته است:

وَهُوَ الَّذِي سُمِّيَ فِي التَّوْرَةِ عِنْدَ الْأُولَى هَادٍ مِنَ الْهُدَاةِ
بِالنَّصِّ وَالتَّصْرِيحِ فِي الْبِرَّةِ بِرَغْمِ مَنْ سِئَاءَ مِنَ الْعُدَاةِ
مِنْ كُلِّ عَيْبٍ فِي الْوَرَى بَرِيًّا

(همان)

ترجمه: اوست که در تورات نامبردار، و نزد ایشان هدایتگری از هدایتگران
است و صریح و آشکار در صف پاکان نامبرده شده، تا بینی دشمنان به خاک
مالیده و در میان مردمان از هر عیبی برکنار شود.

حضرت امیرالمؤمنین به دلیل این که از هر گونه شرکی، بری است، لذا هادی و
هدایتگر می باشد. چنانچه، خود آن حضرت در این باره فرموده اند: «أنا اسمي في
التَّوْرَةِ بَرِيٌّ» قَالَ بَرِيٌّ مِنَ الشَّرِكِ (صدوق، ۱۳۶۱: ۶۰)



۱۸۱

بازناب القاب امام
علی (ع) در شعر
ابو محمد عونی

۷-۲ اَلِی

در انجیل به خاطر عظمت و بزرگوای ایشان به «اَلِی» یا «اِلِی» (اِیلِیا) معروف است،
چنانچه خود علی (ع) بر این مطلب صحه گذاشته اند. امام علی (ع) در خطبه مفصلی
که برای مردم قرائت نمود، بعد از حمد و ثنای الهی و بیان مطالب دیگر در معرفی
خود و فضایلش جملاتی ایراد فرمودند: از جمله به عبارت «أنا ایلِیا الانجیل»
تصریح نمود (عاشور، ۲۰۰۸: ۴۸۹). شاعر در این باره گفته است:

وَهُوَ الَّذِي يُعْرَفُ فِي الْإِنْجِيلِ بِرُبَّةِ الْإِعْظَامِ وَالتَّبْجِيلِ
وَمِيْزَةَ الْغُرَّةِ وَالتَّحْجِيلِ وَفَوْزَةَ الرَّقِيبِ لِلْمُجِيلِ
وَكَانَ يُدْعَى عِنْدَهُمْ أَلِیَا

(أُمینی، ۱۹۷۷: ۴ / ۱۳۳)

ترجمه: اوست که نامش در انجیل معروف است و با عظمت و بزرگواری همعنان. سرور دست و رو سپیدان، ناظر بر کارگاه امکان، در نزد آنان نامش آلی است. شاعر با بیانی دیگر به نام مبارک امیرالمؤمنین علی (ع) در کتاب مقدس انجیل تصریح نموده است:

وَهُوَ الَّذِي يُعْرِفُ فِي الْإِنجِيلِ بِرُتْبَةِ الْإِعْظَامِ وَالتَّبْجِيلِ
يَدْعُو عَلَيْنَا أَهْلَهُ إِلَيْهَا

(ابن شهر آشوب، ۲۰۰۹: ۲۵۷/۳)

ترجمه: آنکه نامش در انجیل در جایگاه تعظیم و گرامیداشت است و پیروان این کتاب علی (ع) را (ایلیا) گویند.

بنا بر ابیات فوق، نام مقدس امام علی (ع) در انجیل به معنای علو و بلند مرتبگی می‌باشد که تداعی بخش نام «علی» در نزد عرب‌ها است.



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۱۸۲

۳-۷ آری

علی (ع) در زبور داود «آری» خوانده شده است (خصیبی، ۱۹۹۱: ۹۳)، از آن جهت که پرچم دار میدان نبرد بوده و همانند شیر به میدان تاخته است. امام علی (ع) در این باره چنین می‌فرماید: «اسمِی فی الزُّبُورِ، «أری» و هو السَّبْعُ الَّذِي يَدُقُّ الْعِظَمَ وَ يَفْرَسُ اللَّحْمَ» (صدوق، ۱۳۶۱: ۶۰). عونی به این فضیلت امام (ع) در زبور توجه نموده و آن را در شعر خود منعکس کرده است:

وَهُوَ الَّذِي يُعْرِفُ بِالزُّبُورِ زَبُورَ دَاوُدَ حَلِيفِ النَّوْرِ
وَ ذِي الْعُلَا وَالْعَلَمِ الْمُنشُورِ فِي اسْمِ الْهَزْبِ الْأَسَدِ الْهَضُورِ
لَيْثِ الْوَعَا أَعْنَى بِهِ أَرِيَا

(همان: ۱۳۴)

سال دوم، شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

ترجمه: اوست که در زبور نامش مشهور است، زبور تابان و درخشان داود، صاحب مقام و منصب والا و پرچم بلند، همانم شیر ژیان. یکه تاز میدان، منظورم آری است.

عونی در ابیات ذیل به بیانی دیگر در این رابطه چنین سروده است:

وَهُوَ الَّذِي يُعْرِفُ بِالزُّبُورِ بِاسْمِ الْهَيْبَةِ الْأَسَدِ الْهَضُورِ
لَيْثَ الْوَرَى ضِرْغَامَهَا أَرِيَا

(ابن شهر آشوب، ۲۰۰۹: ۲۵۷/۳)

ترجمه: همو است که در زبور به نام شیر دلیر، نعره افکن و شیر مرد مردمان، آری خوانده شود.

در ابیات مذکور به شجاعت و جنگاوری امیر مؤمنان (ع) در میدان‌های نبرد نیز اشاره شده است.



۸- اسماء علی (ع) در نزد خانواده ایشان

امام علی (ع) در نزد خانواده خویش صاحب مقامی بس والا و دارای اسمائی بوده که هر کدام از این اسامی بیانگر فضیلتی از فضایل ایشان می‌باشد. شاعر به این اسما در اشعارش اشاره می‌کند:

۸-۱ حیدر

مادر پاک گوهرش به دلیل شجاعت و پاکی و قداست او را «حیدر» و به روایتی «أسد» نام نهاد. انعکاس این دیدگاه در ابیات شاعر به خوبی روشن و نمایان است:

وَهُوَ الَّذِي سَمَّيْتَهُ تِلْكَ الْجَوْهَرَةَ إِذْ وُلِدَتْ فِي الْكَعْبَةِ الْمُطَهَّرَةِ
وَوَجَّعْتُ بِهِ فَقَالَ الْجَمَّهْرَةَ مَنْ ذَا؟ فَقَالَتْ هُوَ شَيْبَلِي حَيْدَرَهُ
وَوَلَدْتُهُ مُطَهَّرًا قُدْسِيًّا

(همان: ۱۳۴-۱۳۵)

ترجمه: مادر پاک گوهرش برای او نامی برگزید: آن‌گاه که در کعبه‌ی قدسش
بزائید از کعبه برون آمد و خلق گفتند: این چیست؟ گفت: شیر بچهم حیدر را، پاک و
مقدس، به دنیا آوردم.

ویژگی بارزی که در این ابیات به چشم می‌خورد، پاکی و قداست علی (ع) می‌باشد.

۲-۸ ظهیر

پدر بزرگوار امیر مؤمنان (ع) به دلیل این‌که او در کشتی با برادران و عمو زادگان
بزرگ‌تر از خود، همه آنها را بر زمین می‌زد و بر آنها چیره می‌شد، لقب «ظهیر» به
او داد (صدوق، ۱۳۶۱: ۶۱) و نیز به دلیل این‌که نیرومند، چیره‌دست، ورزیده و درشت
استخوان بود. عونی وجه تسمیه نامگذاری امیر مؤمنان به «ظهیر» را در ابیات زیر
چنین تبیین کرده است:

هَذَا وَقَدْ لَقَّبَهُ ظَهِيْرًا اَبُوهُ اِذْ شَاهَدَهُ صَغِيْرًا
يَصْرَعُ مِنْ اِخْوَانِهِ الْكَبِيْرًا مُشْمِرًا عَنِ سَاعِدِ تَشْمِيْرًا
وَكَانَ عَاطِلًا فَتَلَّا قَوِيْرًا

(ابن شهر آشوب، ۲۰۰۹: ۲، ۵۴۴)

ترجمه: پدرش او را ظهیر نامید، چه او را از کودکی دید که، چون دامن کشتی بر
میان می‌بست، برادران بزرگ‌تر را بر زمین می‌کوبید، و درشت استخوان، ورزیده و
نیرومند بود.

۳-۸ میمون

روایت شده: دایه‌ای که علی (ع) را شیر داد، زنی از بنی هلال بود. روزی آن زن
علی (ع) را به همراه برادری رضاعی که یک سال از او بزرگتر بود، در خیمه خود



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۱۸۴

سال دوم، شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

گذاشت. نزدیک آن خیمه چاهی بود. کودک دیگر به سمت چاه رفت و سر به درون آن فرو برد و به یک دست و یک پا آویزان شد و دست دیگر او نیز در دهانش و پای او در دست علی (ع) بود. در این میان مادرش باز آمد و در محله فریاد برآورد. ای طایفه، کودک خجسته‌ی مرا دریابید. علی فرزندم را گرفته است. مردم آمدند و آن کودک را از دهانه‌ی چاه گرفتند، در حالی که از قدرت و زیرکی علی (ع) در شگفت شدند. لذا، آن حضرتش را «مبارک» نامید و آن کودک بعدها در میان بنی هلال به «معلق میمون» شناخته شد و فرزندان او نیز تا امروز به همین نام نسبت یابند. (ابن بابویه، ۱۳۶۱: ۶۱). بنابراین، دایه‌اش به دلیل مبارک بودن و نیز مواظبت از نوزاد هم‌شیر خود، او را «میمون» نام نهاد. عونی حکایت مذکور درباره‌ی نحوه نجات دادن کودک توسط امام علی (ع) را این‌گونه آورده است:

وَلَقَّبْتُهُ ظُهُرَهُ مَيْمُونًا إِذْ رَأَتْ السَّعْدَ بِهِ مَقْرُونًا
فَكَانَ دُرًّا عِنْدَهَا مَكْنُونًا يَحْمِي أَخَا رِضَاعِهِ الْمُنُونًا
ثُمَّ يَدِرُّ ثَدْيَهَا الْأَبْيَا

(أُمِينِي، ۱۹۷۷م: ۴، ۱۳۵)

ترجمه: دایه‌اش او را به نام میمون می‌شناخت چون او را مبارک و قرین سعادت می‌دید، بسان درّی پنهان نزد وی بود، چه او حامی نوزاد هم‌شیر خود، و به برکت وجودش، پستان او چون جوی روان بود.

همچنین شاعر در این رابطه چنین سروده است:

وَاسْمُ أَخِيهِ فِي بَنِي هَلَالٍ مُعَلَّقُ الْمَيْمُونِ بِالْحَبَالِ
يَذْكُرُهُ فِي سَمْرِ اللَّيَالِي رَجَائِهِمْ فَاسْمَعُ مِنَ الرَّجَالِ
مَوْهَبَةً خُصَّ بِهَا صَابِيَا

(ابن شهر آشوب، ۲۰۰۹: ۲، ۵۴۴)

ترجمه: نام برادر همشیرش در بنی هلال، «معلق المیمون» بود، یعنی آویخته به آن خجسته والامقام. این داستانی است که مردان قبیله در شب نشینها بازگو کرده‌اند. و این موهبتی بود، که در کودکی به وی ارزانی شده بود.

شاعر با استفاده از این ابیات به قدرت بدنی و توان امیر مؤمنان (ع) اشاره نموده است که یکی از جلوه‌های خرق عادت می‌باشد و نیز در این حکایت عظمت آن حضرت آشکار می‌گردد.

۹- اسماء علی (ع) نزد اقوام مختلف

امام اول شیعیان حضرت علی بن ابی طالب (ع) همواره به عنوان الگویی مورد توجه پیروان ادیان دیگر بوده است و با اسامی گوناگونی از او یاد کرده‌اند. شاعر در سروده‌هایش به این اسامی اشاره نموده است:



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۱۸۶

۹-۱ بوری

کاهنان، او را به «بوری» می‌شناسند، از آن روی که حق را بر کرسی نشاند. امام علی (ع) با تعبیری دیگر این نام را برای خویش تأیید نموده است: «اسمی عندَ الكَهَنَةِ بُوئِي» (نام من نزد کاهنان "بوئی" است) (صدوق، ۱۳۶۱: ۶۰) شیخ صدوق معنا، مفهوم و وجه نامگذاری آن حضرت را به این اسم چنین توضیح می‌دهد: «هُوَ مَنْ تَبَوَّأَ مَكَانًا وَ بَوَّأَ غَيْرَهُ مَكَانًا وَ هُوَ الَّذِي يَبُوءُ الْحَقَّ مَنَازِلَهُ، وَ يُبْطِلُ الْبَاطِلَ وَ يُفْسِدُهُ» (همان منبع: ۶۰)، این واژه از ریشه «تَبَوَّأَ مَكَانًا» (در مکانی جا گرفت) و «بَوَّأَ غَيْرَهُ مَكَانًا» (دیگری را در مکانی جای داد) گرفته شده است، یعنی کسی که حق و حقوق را در جاهای مناسب خود قرار می‌دهد و باطل را نابود می‌کند. این مضمون در این شعر به خوبی آشکار است:

سال دوم، شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

وَ هُوَ الَّذِي يُعْرِفُ عِنْدَ الْكَهَنَةِ إِذْ جَمَعُوا التَّوْرَةَ فِي الْمَتْحَنَةِ
فَأَخَذُوا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ حَسَنَةً وَ هُمْ لِتَّوْرَةِ الْكَلِيمِ الْخَزَنَةَ
لِيُورِدُوا الْحَقَّ لَهُمْ بُورِيَا

(أميني، ۱۹۷۷: ۴، ۱۳۳)

ترجمه: و نزد کاهنان معبد: آنها که پس از ضایعه‌ی تورات، به جمع آن پرداختند،
از هر فصلی آنچه نیک‌تر بود برگرفتند، همان‌ها که گنجوران تورات کلیم محسوبند.
تا حق را به کرسی بنشانند، نامش بوری است.

وَ هُوَ الَّذِي يُعْرِفُ عِنْدَ الْكَهَنَةِ وَ هُمْ لِأَسْمَاءِ الْجَلِيلِ الْخَزَنَةَ
مَبُورِيَّ الْحَقِّ الْوَرَى بُورِيَا

(ابن شهر آشوب، ۲۰۰۹: ۳، ۲۵۷)

ترجمه: هموست که نزد کاهنان که نام‌های ارجمند را نگاه دارند کسی خوانده
شده است که مردم را بر کانون حق گرد آورد، نامش بویی است.

۹-۲ کنکر

بزرگان هند، او را «کنکر» و یا «کبکر» نامیده‌اند، به دلیل بزرگی و والایی و قهرمانی.
آنان در کتابشان خوانده‌اند که پیامبر در مورد علی (ع) فرموده است: «أَنَّ نَاصِرَهُ
كَبَكْرٌ» (صدوق، ۱۳۶۱: ۶۰) و شیخ صدوق در توضیح این واژه گفته است: «وَ هُوَ
الَّذِي إِذَا أَرَادَ شَيْئًا لَجَّ فِيهِ وَ لَمْ يُفَارِقْهُ حَتَّى يَبْلُغَهُ» (همان: ۶۰) (یاری دهنده او کبکر
است همان که وقتی چیزی را اراده بکند اصرار می‌ورزد و کوتاه نمی‌آید تا بدان دست
یابد). شاعر این دیدگاه را در شعرش چنین منعکس کرده است:

وَ هُوَ الَّذِي تَدْعُوهُ مَا بَيْنَ الْوَرَى أَكْبَابُ الْهِنْدِ وَ أَشْيَاخُ الْقَرَى



ذَوُوا الْعُلُومِ مِنْهُمْ بِكَنگَرَا لِأَنَّهُ كَانَ عَظِيمًا خَطِرَا
وَ كَنَكَرًا كَانَ لَهُ سَمِيًّا

(أَمِينِي، ١٩٧٧: ٤ / ١٣٤)

ترجمه: اوست که بزرگان هند و سران آن سرزمین از میان جهانیان نام برند، همان‌ها که از تاریخ پیشین مطلع‌اند نامش را کنکر دانند که بزرگ و عظیم بود، و کنکر همان‌ام او بود.

٩-٣ فطرس

رومیان او را به دلیل قدرت و دانش و خطابه و این‌که محرم اسرار پنهانی بوده است، به این نام خوانده‌اند:

وَهُوَ الَّذِي يُعْرِفُ عِنْدَ الرُّومِ بِبُطْرُسِ الْقُوَّةِ وَالْعُلُومِ
وَ صَاحِبِ السِّتْرِ لَهَا الْمَكْتُومِ وَ مَالِكِ الْمُنْطُوقِ وَالْمُهْتَمِومِ
وَ مَنْ يَكُنْ ذَا يُدْعَى بَطْرُسِيًّا

(ابن شهر آشوب، ٢٠٠٩: ٤ / ١٣٤)

ترجمه: اوست که رومیان فطرسش خوانند: ابر قدرت و ابر دانش، حافظ اسرار پنهانی، خطیب و سخن‌دان صاحب معانی، و هر که چنین باشد بطرسی خوانند.

٩-٤ غرسنا، باز

در نزد ایرانیان به «غرسنا» معروف است. غرسنا، به معنای رباینده‌ی جان‌ها که به هنگام درس و تعلیم از او یاد می‌کنند و نیز «باز» به معنای شاه‌باز پرندگان. شاعر علاوه بر این اسامی، به اسم‌های دیگری در نزد ایرانیان برای آن حضرت تصریح نموده‌اند.

وَهُوَ الَّذِي يُعْرِفُ عِنْدَ الْفَرَسِ لَدَى التَّعَالِيمِ وَعِنْدَ الدَّرْسِ
بِغَرَسْنَا وَ ذَاكَ اسْمٌ قُدْسِيٌّ مَعْنَاهُ قَابِضٌ بِكُلِّ نَفْسِ
كَمَا دَعَاوَهُ عِنْدَهُمْ بَازِيَا

(همان)



دوفصلنامه ادبیات شیعه

١٨٨

سال دوم، شماره چهارم
پاییز و زمستان ١٣٩٣

ترجمه: اوست که فارسیانش به هنگام درس و تعلیم یاد کنند با نام غرسنا، که نامی است مقدس و معنایش رباینده‌ی جانها، و گاهی به نام باز، شاهباز پرندگان. عونی در ابیاتی دیگر به اسامی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) در نزد هندیان و رومیان و ایرانیان با تعبیری دیگر تصریح نموده است:

هُوَ الَّذِي يَدْعُونَهُ بِكَبْكَرَا فِي كُتُبِ الْهِنْدِ الْعَظِيمِ الْقَدْرَا
 حَقًّا وَعِنْدَ الرُّومِ بَطْرُسِيَا
 وَبَطْرُسِيَّ قَابِضُ الْأَرْوَاحِ وَفِي كِتَابِ الْفَرَسِ رُغْمَ اللَّاحِي
 خَيْرٌ وَخَيْرٌ عِنْدَ ذِي الْإِفْصَاحِ
 حِينَ يُسَمَّى فُرْسَنَا الْبَارِيَا

(ابن شهر آشوب، ۲۰۰۹: ۳/ ۲۵۷)

ترجمه: اوست که در کتاب‌های بسیار ارجمند هندیان، کبکرا نامش نهند و نزد رومیان بطرسی گویند، و نیز بطرسی‌ای که جانها ستاند، و در کتابهای فارسیان نیز به رغم بد زبانان خیر نام دارد و خیر نزد سخنوران و آن هنگام که فارسیان نام گذارند به معنای نیکوکار است.

شاعر در بیت اخیر به دو اسم دیگر «خیر» و «بار» در نزد ایرانیان برای امام علی (ع) اشاره کرده، و در واقع یک نوع بازی با کلمات «بار» و «باز» انجام داده است که هر کدام بیانگر فضیلتی از امام (ع) می‌باشند.

۹-۵ تیر و تبیر

در میان ترکان به «تیر» معروف است به معنی محک، از آن روی که هرگونه شک و شبهه را از پیرامون حق زدود. و به روایتی «تبیر» به معنای پلنگ تیز چنگال است:



وَهُوَ الَّذِي يُعْرِفُ عِنْدَ التُّرْكِ تَيْرًا وَذَاكَ مُشْبِهَ الْمَحَاكِ
وَإِنَّهُ يَرْفَعُ كُلَّ شَاكٍ عَنِ كُلِّ حَاكٍ قَوْلَهُ وَمَحَاكِي
إِذَا عَرَفَتْ الْمَنْطِقَ التُّرْكِيَا

(أُمِينِي، ١٩٧٧: ٤ / ١٣٤)

ترجمه: اوست که در میان ترکان معروف است به تیر یعنی محک، از این روی که
زداینده‌ی هر گونه شک از پیرامون حق است، اگر با لغت ترک آشنایی.

وَهُوَ تَيْيَرٌ بِلِسَانِ التُّرْكِ مَعْنَى تَيْيَرٍ نَمِرٌ ذُو مَحَاكٍ
إِذَا عَرَفَتْ الْمَنْطِقَ التُّرْكِيَا

(ابن شهر آشوب، ٢٠٠٩: ٣ / ٢٥٧)

ترجمه: او به زبان ترکان، تیر است و تیر به معنای پلنگ تیز چنگال است، اگر
زبان ترکی دانی.

شاعر در ابیات مذکور جنگاوری و نیز نوع قضاوت علی (ع) که باعث زدودن
شبهات از پیرامون حق شده است، را مورد بررسی قرار داده است.

٩-٦ بتریک و تبریک

در میان حبشیان، «بتریک» نامیده می‌شود از آن جهت که شجاع، بی‌پروا و قدرتمند
بوده است و به روایتی «تبریک» (خصیبی، ١٩٩١: ٩٣) به معنای پادشاه ویرانگر.
شاعر این معنی را در شعر خود آورده است:

وَهُوَ الَّذِي يَدْعُونَهُ فِي الْحَبَشِ بِتْرِيكٍ أَيْ مُدْبِرٍ لَا يَخْتَشِي
لِقُدْرَةِ بِيهِ وَبَطْشِ مُدْهِشٍ وَيَنْعَتُونَهُ بِأَقْوَى قُرَشِي
فَأَسْأَلُ بِهِ مَنْ يَعْرِفُ الْحَبَشِيَا

(همان)



دوفصلنامه ادبیات شیعه

١٩٠

سال دوم، شماره چهارم
پاییز و زمستان ١٣٩٣

ترجمه: اوست که سپاهیان حبشه بتریک خوانند: شجاع بی پروا، پر قدرت، بی محابا، درهم کوبنده‌ی هر هیولا، ابرقهرمان والا، از آن پرس که زبان حبشی شناسد.

وَقَدْ دَعَاهُ الْحَبَشِيُّ الْمُجْبِرُ تَبْرِيكَ وَهُوَ الْمَلِكُ الْمَدْبِرُ
إِنْ شِئْتَهُ فَاسْأَلْ بِهِ الْحَبَشِيَا

(همان)

ترجمه: حبشی مجبر او را تبریک خواند که به معنای پادشاه ویرانگر است. اگر خواستی از حبشیان در این باره پیرس.

شاعر پس از ذکر فضایل علی (ع)، در پایان از کسانی که به حقیقت شأن علی (ع) ناآگاهند، می‌خواهد که درباره‌ی مقام آن حضرت از حبشیان سوال کند.

۷-۹ حنین

در میان زنگیان به «حنین» شناخته شده است. به معنای بنیادکن و نجات بخش و به روایتی «حنبر». از آن روی که چون در پیکار به دشمن نزدیک شود رگ‌های ایشان از هم بدرد. شاعر در ابیات ذیل به فضایل مذکور تصریح نموده است:

وَهُوَ الَّذِي يُعْرِفُ عِنْدَ الزَّنَجِ بِحَبْنِيٍّ أَيْ مُهْلِكٍ وَمُنْجِ
وَقَاطِعُ الطَّرِيقِ فِي الْمَحَجِّ إِلَّا بِإِذْنٍ فِي سُلُوكِ النَّهْجِ
فَإِنْ أَرَدْتَ فَاسْأَلِ الزَّنَجِيَا

(أُمِينِي، ۱۹۷۷: ۴ / ۱۳۴)

ترجمه: اوست که در زنگبار بنام حنبر شناخته آید: بنیادکن و نجات بخش، شیر صحرا که دشت و دمن حوزه‌ی اقتدار اوست و جز به فرمان او نگذرند، اگر خواهی از زنگیان پیرس.



عونی در ابیات ذیل با تعبیری دیگر به این فضایل امام علی (ع) اشاره نموده است:

وَالزَّنَجُ تَدْعُوهُ لَعْمَرِي حَبْنَا قَطَّاعٌ أَوْصَالَ إِذَا مَا أَنْ دَنَا
فَأَسْأَلُ بِمَعْنَى حَبْنَا الزَّنَجِيَا

(ابن شهر آشوب، ۲۰۰۹: ۲۵۷/۳)

ترجمه: و زنگیان، به جانم سوگند، او را حبن خوانند، همو که چون در پیکار به دشمن نزدیک شود، رگ‌های ایشان از هم بدرد. معنای حبن را از زنگیان بی‌رس. در ابیات فوق، علی (ع) به واسطه ریشه‌کن کردن بت‌ها، بنیان‌کن نام گرفته است، که هیبت ایشان را مجسم می‌کند و نیز به دلیل ولایتش، که باعث رهایی از آتش دوزخ می‌باشد، نجات بخش نامیده شده است.

۸-۹ فریق



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۱۹۲

سال دوم، شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

در زبان ارمن از آن جهت که بین حق و باطل و مؤمن و منافق جدایی انداخته، به «فریق» معروف است. این دیدگاه ارمنیها مشابه این حدیث نبوی است: «هُوَ الْفَارُوقُ الَّذِي يُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ» (نیشابوری، ۱۹۸۶: ۱۳۰). شاعر در سرودن اشعار ذیل از حدیث فوق الهام گرفته است:

وَهُوَ فَرِيقٌ بِلِسَانِ الْأَرْمَنِ فَارُوقَهُ الْحَقُّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ
تَعْرِفُهُ أَعْلَامُهُمْ فِي الزَّمَنِ فَاسْأَلْ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِمَّنْ يَعْتَنِي
تَحْقِيقَهُ مَنْ كَانَ أَرْمَنِيَا

(همان)

ترجمه: در لغت ارمن بنام فریق معروف است، همو که برای هر مؤمنی حق را بازشناساند، بزرگسالان و پیران از قدیم او را می‌شناسند، اگر اهل تحقیق و اطلاع باشی، از مردم ارمن بازجو.

بنا بر آنچه گذشت، در کتب و ادیان مختلف به وجود امام علی (ع) با تعابیری متناسب شأن و مقام والای آن حضرت اشاره شده و هر کدام به گونه‌ای به فضیلتی از فضایل اخلاقی، دینی و انسانی آن بزرگوار پرداخته‌اند، و این گونه فضایل ایشان فراگیر شده است.

نتیجه

- ذکر القاب امیر مؤمنان (ع) در قصائد عونی بسیار پر رنگ و چشمگیر است و به اشعار او صبغه‌ای خاص بخشیده است.
- استفاده شاعر از کتب آسمانی و نیز دیدگاه‌های اقوام مختلف در بیان القاب امام علی (ع) بیانگر انس و الفت شاعر با کتب آسمانی و آشنایی با دیدگاه‌های اقوام مختلف در این زمینه است.

عونی با کمک گرفتن از مفاهیم و معانی القاب و اسامی امام علی (ع)، به بلند مرتبگی و علو و برتری آن حضرت، و سایر فضایل و مناقب ایشان در نزد خداوند متعال و خانواده بزرگوار آن حضرت و اقوام مختلف در همه اعصار و ادوار و ادیان اشاره کرده است و تأکید نموده است که مفهوم این اسم‌ها بیان فضائل و مکارم اخلاقی آن حضرت می‌باشد و به عبارت بهتر معانی آنها با نام مقدس ایشان سنخیت دارد.

فهرست منابع و مآخذ

- ❖ قرآن کریم
- ❖ ابن شهر آشوب، ابی جعفر محمد بن علی، (۲۰۰۹)، مناقب آل ابی طالب، بیروت، انتشارات مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.



- ❖ ابو يعلى موصلى، احمد بن على بن مثنى تميمى، بى تا، مسند ابى يعلى موصلى، دمشق، انتشارات دار المأمون للتراث.
- ❖ ابن بابويه القمى، ابى جعفر محمد بن على ابن حسين بن موسى (١٩٦٦)، علل الشرائع، النجف، انتشارات المكتبة الحيدرية.
- ❖ ابن بابويه، ابو جعفر محمد بن على بن حسين (١٣٦١)، معانى الاخبار، قم، انتشارات اسلامى.
- ❖ امينى نجفى، عبد الحسين احمد، (١٩٧٧)، الغدير فى الكتاب و السنة و الأدب، بيروت، انتشارات دار الكتاب العربى.
- ❖ ابن عبد الوهاب، حسين (١٩٥٠)، عيون المعجزات، نجف، المطبعة الحيدرية
- ❖ امين، سيد محسن (١٤٠٦)، أعيان الشيعة، تحقيق: حسن امين، بيروت، انتشارات دار التعارف.
- ❖ خصيبى، ابى عبدالله حسين بن حمدان (١٩٩١)، الهداية الكبرى، ط ٤، بيروت، انتشارات مؤسسة البلاغ.
- ❖ شامى، يوسف بن حاتم (١٤٢٠)، الدر النظيم فى مناقب الأئمة اللهميم، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسة النشر الإسلامى
- ❖ شبر، جواد، (١٩٦٩)، أدب الطّف أو شعراء الحسين، بيروت، انتشارات مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
- ❖ لفتال نيشابورى، محمد (١٩٨٦)، روضة الواعظين، بيروت، انتشارات مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
- ❖ عاشور، السيد على (٢٠٠٨)، ماذا قال على (ع) عن آخر الزمان «الجفر الأعظم»، بيروت، انتشارات مؤسسة التاريخ العربى.